# کلمات امیرالمؤمنین علیه السلام پیرامون اسلام

آنچه گذشت، نکاتی بود که راجع به این حدیث است. هم سند و هم مطالبش را عرض کردم. حالا عبارت را بخوانم. سه فقره بود. فقره اول گویا ایجاد مقتضی و معرفت و شرط بود. فقره دوم رفع مانع بود. فقره سوم راه کار عملی بود که جلسه قبل عرض کردم. شروع فرمایشات حضرت علیه السلام این چنین است:

> **«أیها الناس إنّه لا شرف أعلی من الإسلام ، ولا کرم أعزّ من التقی ، ولا معقل أحرز من الورع ، ولا شفیع أنجح من التوبة ، ولا کنز أنفع من العلم ، ولا عزّ أرفع من الحلم ، ولا حسب أبلغ من الأدب ، ولا نسب أوضع من الغضب ، ولا جمال أزین من العقل ، ولا سوء أسوء من الکذب ، ولا حافظ أحفظ من الصمت ، ولا لباس أجمل من العافیة ، ولا غائب أقرب من الموت»[1].**

**«أیها الناس إنّه لا شرف أعلی من الإسلام»؛** جلسه قبل عرض کردم که وقتی بگذارید برای اینکه خطبی از امیرالمؤمنین علیه السلام که در آنها السلام مطرح شده است را ببینید؛ ایشان فرموده است: «لأَنْسُبَنَّ الإِسْلاَمَ نَسَبًا لَمْ يَنْسُبْهُ أَحَدٌ قَبْلِي»[2]. دو-سه مورد دیگر هم در نهج‌البلاغه هست که در کافی شریف هم آمده است. در کافی، جلد دوم، صفحه چهل و نهم. باب، عنوان ندارد. اصبغ بن نباته می‌گوید:

> **«خَطَبَنَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فِي دَارِهِ أَوْ قَالَ فِي الْقَصْرِ وَ نَحْنُ مُجْتَمِعُونَ ثُمَّ أَمَرَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَكُتِبَ فِي كِتَابٍ وَ قُرِئَ عَلَى النَّاسِ.. أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى- شَرَعَ الْإِسْلَامَ وَ سَهَّلَ شَرَائِعَهُ.. فَالْإِيمَانُ مِنْهَاجُهُ وَ الصَّالِحَاتُ مَنَارُهُ وَ الْفِقْهُ مَصَابِيحُهُ وَ الدِّنْيَا مِضْمَارُهُ وَ الْمَوْتُ غَايَتُهُ وَ الْقِيَامَةُ حَلْبَتُهُ وَ الْجَنَّةُ سُبْقَتُهُ وَ النَّارُ نَقِمَتُهُ..»[3].**

بعضی می‌گویند چطور این احادیث ثبت و ضبط می‌شده است؟! اگر این شواهد از روایات را مقاله کنید، خیلی خوب است. رسم محدثین فقط این نبوده است که تنها بشنوند و بعد نقل به معنا کنند. در مباحث فقه، حدیث زراره را تأکید کردم که یادداشت کنید. زراره می‌گوید: قلم به دست من بود؛ سوالم را راجع به وقت نماز عصر یا ظهر پرسیدم. قلم را گرفتم تا هر چه حضرت علیه السلام می‌گویند را بنویسم. بعد حضرت علیه السلام فرمودند: حالا فعلاً بگذار تا بگویم.

یعنی اینطور بودند؛ قلم به دست می‌نوشتند. نقل به معنا هم بوده است، نه اینکه نبوده است. این یکی از روایاتی است که در کافی آمده است. می‌گوید: «ثُمَّ أَمَرَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَكُتِبَ في كِتَابٍ وَقُرِئَ عَلَى النَّاسِ».

**شاگرد**: بعد از خواندن خطبه امر کردند که بنویسند؟

**استاد**: بله؛ اصل این هست که ای مکتوب بود و بر من خواندند، ای خود حضرت علیه السلام وقتی خطبه‌ها را می‌خواندند، امر می‌کردند که نوشته شود و ثبت شود. اینها مهم است. اینطور نبود که بعداً هر کسی خودش بنویسد.

حضرت علیه السلام در ادامه می‌فرمایند: «أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى - شَرَعَ الْإِسْلَامَ وَسَهَّلَ شَرَائِعَهُ» تا برسیم به صفحه بعدی که حضرت علیه السلام، چه دسته‌بندی عجیب و عظیمی دارند! «فَالْإِيمَانُ مِنْهَاجُهُ وَالصَّالِحَاتُ مَنَارُهُ وَالْفِقْهُ مَصَابِيحُهُ وَالدِّينَا مِضْمَارُهُ وَالْمَوْتُ غَايَتُهُ وَالْقِيَامَةُ حَلْبَتُهُ وَالْجَنَّةُ سُبْقَتُهُ وَالنَّارُ نَقِمَتُهُ».

در نهج البلاغه، در خطبه شماره صد و پنج آمده است.

«وَالصَّالِحَاتُ مَنَارُهُ وَالْمَوْتُ غَايَتُهُ وَالدِّنْيَا مِضْمَارُهُ وَالْقِيَامَةُ حَلْبَتُهُ وَالْجَنَّةُ سُبْقَتُهُ»[4]؛ وقتی اسبها با هم مسابقه می‌دهند، جایزه‌ای که به برنده می‌دهند، سبقه است. «والجنة سبقته»؛ جایزه‌ای که مسلمان می‌دهند این است.

دو روایت دیگر هم هست؛ یکی، خطبه صد و پنجاه و دو است که در آن می‌فرمایند:

> **«...إِنَّمَا الْأَئِمَّةُ قُوَّامُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَعُرَفَاؤُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَلَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَهُمْ وَعَرَفُوهُ وَلَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَهُمْ وَأَنْكَرُوهُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَصَّكُمْ بِالْإِسْلَامِ وَاسْتَخْلَصَكُمْ لَهُ وَذَلِكَ لِأَنَّهُ اسْمُ سَلَامَةٍ وَجِمَاعُ كَرَامَةٍ اصْطَفَى اللَّهُ تَعَالَى مِنْهَجَهُ وَبَيَّنَ حُجَجَهُ مِنْ ظَاهِرِ عِلْمٍ وَبَاطِنِ حُكْمٍ لَا تَفْنَى غَرَائِبُهُ وَلَا تَنْقَضِي عَجَائِبُهُ...»[5].**

یکی از تعبیراتی که امیرالمؤمنین علیه السلام برای قرآن آورده‌اند، نظیرش را برای اسلام می‌آورند. مطابقتها خیلی جالب است. محورهای جانشینی را گفتم. در اینجا وصفی است که در حالت جانشینی می‌آید. حضرت علیه السلام فرمودند: «لَا تَفْنَى غَرَائِبُهُ وَلَا تَنْقَضِي عَجَائِبُهُ»؛ این وصف برای قرآن بود. قرآن کریم، حکم محور و اساس اسلام است. حضرت علیه السلام همان چیزی که در قرآن آورده بودند را برای اسلام هم آوردند.

خطبه دیگر؛ خطبه صد و هفتاد و شش است.

> **«الْعَمَلَ الْعَمَلَ ثُمَّ النِّهَايَةَ النِّهَايَةَ وَالِاسْتِقَامَةَ الِاسْتِقَامَةَ ثُمَّ الصَّبْرَ الصَّبْرَ وَالْوَرَعَ الْوَرَعَ إِنَّ لَكُمْ نِهَايَةً فَانْتَهُوا إِلَى نِهَايَتِكُمْ وَإِنَّ لَكُمْ عَلَمًا فَاهْتَدُوا بِعَلَمِكُمْ وَإِنَّ لِلْإِسْلَامِ غَايَةً فَانْتَهُوا إِلَى غَايَتِهِ وَاخْرُجُوا إِلَى اللَّهِ بِمَا افْتَرَضَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَقِّهِ وَبَيِّنْ لَكُمْ مِنْ وَظَائِفِهِ**

> أَنَا شاهِدٌ لَكُمْ وَ حَجِيجٌ يَوْمَ الْقِيامَةِ»[6].

---

[1] شیخ صدوق، التّوحید، ج ۱، ص ۷۴.

[2]. نهج البلاغه (بر أساس نسخه صبحي صالح)، ج ۱، ص ۴۹۱.

[3]. شيخ كليني، الكافي (بر اساس چاپ إسلاميّة)، ج ۲، ص ۴۹.

[4] نهج البلاغه (بر أساس نسخه صبحي صالح)، ج ۱، ص ۱۵۳.

[5]. همان، ص ۲۱۲.

[6]. همان، ص ۲۵۳.

---

بازبینی #2
ایجاد شده 9 نوامبر 2024 14:44:40 توسط ... .
به روزرسانی شده 28 نوامبر 2024 10:58:11 توسط ... .